آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۲۲۴
دوشنبه
۲۱ • ۰۷ • ۱۴۰۴
۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ / ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵

گزارش

از قرائت کیفرخواست در برنامه «صبح بخیر ایران» تا بازجویی در «شبکه افق»

توپخانه صداوسیما علیه باهنر

محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری و البته دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین در هفته گذشته یک خبر مهم در مورد مساله حجاب را اعلام و پالس روشنی برای حلقه سخت نظام ارسال کرد. او در نشست خبری که روز شنبه هفته گذشته گفته است که «در حال حاضر، قانون الزام‌آور و لازم‌الرعایه درباره حجاب وجود ندارد. تصمیم کلی نظام در حال حاضر این است که قانون حجاب اجباری به صورت لازم‌الرعایه وجود ندارد. اگر در جایی مشاهده کردید که برخلاف این تصمیم، برخورد یا جریمه‌ای صورت گرفته، می‌توانید موضوع را به شماره ۱۱۰ گزارش دهید». چند روز قبل از این نیز باهنر در گفت‌وگویی تلویحا همین سخنان را بیان کرده بود، اما این بار او هم از الفاظ حقوقی استفاده کرده است و هم چند کلیدواژه مهم را مورد تاکید قرار داده است. اظهارات باهنر البته با واکنش‌های مختلفی مواجه شد از رجانیوز و کیهان تا لشکر پیاده نظام جلیلی و برخی از چهره‌های جبهه پایداری در مجلس به تندی بر او تاختند. مهم‌تر از همه، اما رویه‌ای بود که صداوسیما در پیش گرفت.

ارسال پالس

صحبت‌های باهنر از چند جهت مهم بود. نخست استفاده از عبارت «حجاب اجباری» که عموما از جانب مقامات و چهره‌های رسمی به خصوص در جریان اصولگرا استفاده نمی‌شود. همین انتخاب لغات البته صدای اصولگرایان را بلند کرده و به نقد یکی از قدیمی‌ترین چهره‌های خود در جریان اصولگرایی پرداختند. در صدر همه هم، مثل همیشه حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان است که با حمله به باهنر نوشت: استفاده ایشان از واژه «حجاب اجباری» که از سوی دشمنان اسلام و انقلاب و با هدف غیر ضروری و ضد آزادی بودن حجاب، ساخته و پرداخته شده است جای درنگ و تامل دارد! دوم تاکید باهنر بر عبارت «تصمیم نظام» است. باهنر هم سبقه سیاسی، هم سبقه تشکیلاتی و هم ارتباطات گسترده‌ای با نهادهای بالادستی نظام دارد. او هنوز عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است. دبیرکل یکی از مهم‌ترین تشکل‌های اصولگرایی یعنی جبهه پیروان خط امام و رهبری است بنابراین وقتی از «تصمیم نظام» صحبت می‌کند شنونده بیش از هر زمان دیگری گوش‌های خود را تیز خواهد کرد. همین تاکید هنرمندانه باهنر بر روی عبارت تصمیم نظام که مشخصا پیام روشنی نیز به سوپرانقلابی‌ها در نهادهای مختلفی از مجلس تا ستاد امر به معروف ارسال کرده با واکنش‌های آنها نیز روبه‌رو شده است. مسعود تاتلاری سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر، در واکنش به سخنان محمدرضا باهنر درباره حجاب که در نشست خبری خود با اصحاب رسانه در خبرگزاری خبرآنلاین گفت، در فضای مجازی نوشت: وقتی تمام سرمایه سیاسی‌تان با شعارهای حزب‌اللهی بوده و حالا حزب‌اللهی‌ها را «۱۰ درصد» می‌دانید، مصداق رفتار محافظه‌کارانه مذموم است. درباره قانون حجاب هم با مردم صادق باشید. نه شما سخنگوی نظامید و نه نظام حجاب را که حکم خدا هست کنار گذاشته است. سومین نکته، اما استفاده باهنر از کلید واژه «لازم‌الرعایه» است. او تاکید کرده که حجاب اجباری دیگر لازم‌الرعایه نیست. شاید پیش از این چهره‌های سیاسی زیادی تاکید کرده بودند که دیگر موضوع رعایت حجاب باید از اولویت نظارتی و قانونی خارج شود، اما این نخستین بار است که چهره‌ای سیاسی در سطح و از جناح محمدرضا باهنر چنین خبری را علنی کرده و حتی می‌گوید اگر در جایی مشاهده کردید که برخلاف این تصمیم، برخورد یا جریمه‌ای صورت گرفته، می‌توانید موضوع را به شماره ۱۱۰ گزارش دهید!

توپخانه صداوسیما

محمدجعفر خسروی، مجری برنامه صبح بخیر ایران که پیش از این در این برنامه مسئولیت روخوانی از محتوای تولیدی توسط اتاق فکر صداوسیما در حمله به یک جناح سیاسی مشخص را داشت، صبح شنبه در این برنامه از روی دست کیهان روخوانی و سعی کرد با ادبیاتی تمسخرآمیز خطاب به باهنر انتقاداتی را مطرح کرد. او در ابتدای سخنان خود گفت که صحبت‌های باهنر در مورد لازم‌الرعایه نبودن قانون حجاب، در یک گفت‌وگو بیان شده نه نشست خبری! عجیب این که مجریان برنامه‌های صداوسیما به اندازه یک سرچ ساده برای پیدا کردن مطلبی که فردی بیان کرده و آنها می‌خواهند به آن حمله کنند، وقت نمی‌گذارند. او با قرائت تمام و کمال انتقاداتی که نسبت به اظهارات باهنر بیان شده بود روی آنتن زنده می‌گوید که آقای شریعتمداری نوشته‌اند که باهنر توضیح نداده که منظورش از به کار بردن واژه «حجاب اجباری چیست؟ راست می‌گویند! منظورتان چیست؟» همنوایی خسروی با شریعتمداری و خودشیرینی او برای کیهان البته ادامه پیدا می‌کند و می‌گوید: «بالاخره اگر قانون است باید رعایت شود. چطور می‌شود قانون باشد لازم‌الاجرا نباشد؟ یک نفر بیاید برای ما توضیح دهد!» احتمالا تا به امروز اسم نهاد شورای عالی امنیت ملی نیز به گوش خسروی که همشهری جلیلی‌ها نیز هست نخورده که با ادا و اطوار رو به دوربین می‌گوید یک نفر برای ما توضیح دهد! کار صداوسیما با باهنر، اما همینجا هم تمام نشد و ساکنان اتاق‌های پیدا و پنهان رسانه جلیلی- جبلی به قرائت متنی کیفرخواست گونه برای باهنر قناعت نکردند. شبکه افق برنامه دیگری با حضور خود باهنر ترتیب داد. برنامه‌ای که دیالوگ‌های آن بیش از مصاحبه فرم بازجویی داشت.

جلال رشیدی کوچی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

قالیباف هم رئیس جمهور می‌شد هجمه‌ها بود

قالیباف بیشترین تعامل و همراهی را با پزشکیان دارد

تندروها با وجود تذکرات رهبری با دولت مخالفت می‌کنند

آرمان ملی- حمید شجاعی: جامعه با شیب ملایمی از تغییرات و تحولات داخلی و بین‌المللی روبه‌رو است که نمی‌توان به سادگی از آنها گذشت و از اتفاق همین تحولات باعث شده تا دیگر جامعه به عقب برنگردد. مثلا برخی معتقدند که اتفاقات سال ۱۴۰۱ باعث شد تا امروز جامعه و دولت رویکردهای مشخص در خصوص مساله حجاب و پوشش داشته باشند. چه اینکه با وجود تلاش تندروها برای به اجرا رساندن قانون حجاب با استنکاف دولت از ابلاغ و اجرا شاهد بودیم که شورای عالی امنیت ملی نیز به جهت تنش‌زا بودن این قانون آن را از دستور کار خارج کرده و مسکوت گذاشت. از سوی دیگر تندروها طی یک سال گذشته و از زمان روی کارآمدن دولت پزشکیان تمام تلاش خود را برای زمینگیر کردن دولت به کار بردند و در این مسیر حتی چهره‌هایی چون محمدجواد ظریف معاون راهبردی و عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد را نیز از پزشکیان گرفتند. در این میان گرچه رهبر انقلاب بارها به نمایندگان در جهت همکاری و حمایت از دولت تذکر داده‌اند؛ اما تندروها همچنان بر مبنای برنامه‌های خود پیش رفته و می‌روند. چه اینکه اخیرا نیز ۴ وزیر دولت را در صف استیضاح قرار داده‌اند. استیضاح‌هایی که به قرائت برخی از نمایندگان رنگ بوی سیاسی دارد. جالب اینکه تندروهای مجلس جدا از تقابل با دولت به سمت انتقاد و اعتراض به نهادهایی چون مجمع تشخیص نیز رفته‌اند و اخیرا نیز تصویب لایحه CFT را بر نتافته و به دنبال طرحی ۳ فوریتی برای عدم اجرای آن هستند. به نظر می‌رسد همانطور که پیش از این نیز بارها گفتیم و نوشتیم دولت باید با قاطعانه و محکم در برابر تندروها بایستد و وفاق خود را برای اکثریت مجلس که رویکرد تعامل و همکاری دارد بگذارد. برابر بهبود شرایط و اینکه جامعه و کشور هم کمتر هزینه بپردازد باید شرایطی فراهم گردد تا تندروها از متن به حاشیه رانده شوند تا مسیر عقلانیت و تدبیر کشور به سمت و سوی رشد و توسعه حرکت کند. در همین راستا برای بررسی روابط دولت و مجلس، مواجهه تندزروها با دولت و همچنین بررسی وعده‌های دولت «آرمان ملی» با جلال رشیدی کوچی نماینده مرودشت در مجلس یازدهم و کارشناس مسائل سیاسی به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

مواجهه مجلس دوازدهم با دولت آقای پزشکیان را چگونه می‌بینید و چرا با وجود دست دوستی دولت به مجلس بعضا شاهد تقابل‌هایی از سوی تندروهای بهارستان علیه دولت هستیم؟

من برای اولین بار این را می‌گویم و تحلیل خودم است که مجلس دوازدهم در راستای حمایت از دولت وقت تشکیل شد و در خرداد سال ۱۴۰۳ نیز بنا بر همین بود که جریان اصولگرا ادامه مسیر دولت سیزدهم را برود و مجلس نیز در هماهنگی با آنها قرار گیرد. کسی نمی‌دانست که قرار است آن اتفاق برای آقای رئیسی بیفتد و همه می‌دانستند که آقای رئیسی مجدد به عنوان رئیس جمهور ایران انتخاب می‌شود. یعنی عملاً رقابت جوری نبود که شخص دیگری بتواند در برابر ایشان حضور داشته باشد و این مجلس شکل گرفت که بتواند در دولت دوم به مرحوم آقای رئیسی کمک دهد که این اتفاق نیفتاد یعنی آن حادثه اتفاق افتاد و آقای رئیسی به رحمت خدا رفتند و عملاً دولت سیزدهم یک سال قبل از پایانش به انتها رسید. خب؛ حالا این نمایندگان که از طرف جبهه پایداری به مجلس آمدند وقتی دیدند دیگر آقای رئیسی وجود ندارد از جلیلی حمایت کردند. یعنی شما دیدید که نماینده مجلس ما همین آقای ثابتی می‌رفت توی تلویزیون و در برنامه‌ای که فرزندان کاندیداها صحبت می‌کردند برای آقای جلیلی صحبت کرد یعنی خیلی از این نماینده‌ها عضو ستاد آقای جلیلی شدند و اینها فکر می‌کردند که می‌توانند آقای جلیلی را رئیس جمهور کنند که نشد.

آقای پزشکیان آمد و وقتی پزشکیان آمد یعنی بین پزشکیان و قالیباف هم فرقی نداشت یعنی اگر آقای قالیباف هم می‌آمد این جریان همین هجمه را علیه قالیباف هم داشتند. تندروها خیلی هم با آقای رئیسی هم هماهنگ نبودند ولی جبهه پایداری با آقای جلیلی کاملا همسو بود. زمانی که آقای پزشکیان آمد و جلیلی هم رای نیاورد، آقای رئیسی هم رحمت خدا رفته، قاعدتا جلوی پزشکیان ایستادگی می‌کند. جریان تندرو به آقای پزشکیان به عنوان رقیب نگاه می‌کند نه به عنوان رئیس جمهور و هنوز هم همین نگاه است و او را به عنوان رقیب انتخاباتی می‌بینند و متاسفانه تاکید هم می‌کنند که ما نمی‌گذاریم این دولت کامل شود و دولت پزشکیان ۴ سالش را پر نخواهد کرد.

پس می‌توان اینگونه برداشت کرد که تندروها می‌خواهند با همین رویه تا آخر پیش بروند، حتی با تذکرات و عتاب مقام رهبری به مجلس؟

مگر تاکنون مورد عتاب و خطاب قرار نگرفته‌اند؟ به نظر شما قضیه کان لم یکن شد؟ نه هیچ اتفاقی نمی‌افتد. توی همین یک سال حضرت آقا دو مرتبه نسبت به عدم حمایت از دولت تذکر دادند و تاکید کردند که باید از دولت حمایت شود، اما می‌بینیم این جریان کمترین اعتنایی نکرده‌اند. البته در ظاهر می‌گویند ما می‌خواهیم به دولت کمک کنیم و اگر فلانی در دولت نباشد ما عملاً به دولت کمک می‌کنیم و... اما اینها ضدیت خود با دولت را تقویت هم خواهند کرد.

> **جریان تندرو به آقای پزشکیان به عنوان رقیب نگاه می‌کند نه به عنوان رئیس جمهور و هنوز هم او را به عنوان رقیب انتخاباتی می‌بینند و متاسفانه تاکید هم می‌کنند که ما نمی‌گذاریم این دولت کامل شود**

حضور و تاثیر آقای قالیباف در هیأت رئیسه مجلس در جهت مسکوت گذاشتن تلاش تندروها برای استیضاح وزرا یا طرح‌های تنش‌زا را چطور می‌بینید؟

قطعاً با شناختی که من از آقای قالیباف دارم تا جایی که بتوانند در برابر کسانی که بخواهند در مجلس به منافع ملی ضربه بزنند، مقابله و ایستادگی خواهند کرد و هزینه هم می‌دهند و کسانی که بخواهند در برابر رهبری و منویات آقا عمل کنند، با شناختی که من دارم، آقای قالیباف مقاومت می‌کنند. حالا اینکه بعضی از نماینده‌ها می‌گویند ما خیلی طرح دادیم و مانده و... نکات متعددی دارد.

برخی از این طرح‌ها تکمیل نمی‌شود، در کمیسیون رد می‌شود یا در کمیسیون می‌ماند و به هیات رئیسه ارجاع داده نمی‌شود یا اولویتش به نحوی است که طرح‌های با اولویت و فوریت بالاتر قبل از اینها هست ولی آن چیزی که من از آقای قالیباف می‌دانم این است که ایشان خیلی جاها از جایگاه و شخصیت خودشان حاضرند برای منافع ملی هزینه کنند و در برابر تندروها بایستند و این مساله را نیز بارها ثابت کردند. من معتقدم آقای قالیباف بیشترین تعامل و همراهی را با آقای پزشکیان دارد در عین حالی که بر اجرای قوانین هم تاکید دارند.

با وجود اینکه آقای پزشکیان از وفاق بین دولت و مجلس صحبت کردند، اما تندروهای بهارستان از همان ابتدا به دنبال تخریب دولت و استیضاح وزرا بودند چنان‌که در حال حاضر نیز ۴ وزیر در صف استیضاح سیاسی نمایندگان هستند؛ تحلیل شما از این مساله چیست؟

در جلسه رای اعتماد به دولت نیز اگر تندروها می‌توانستند نمی‌گذاشتند دولت به صورت کامل شروع به فعالیت کند. هر چند که دیدیم هنوز شش ماه از عمر دولت نگذشته آقای همتی وزیر اقتصاد دولت را استیضاح کردند. در ماجرای آقای ظریف نیز شاهد بودیم که با وجود مشکلات مختلفی که در کشور وجود داشت دغدغه نمایندگان فقط تابعیت فرزند آقای ظریف بود. این مجلس باید گزارشی از عملکرد خود به جامعه بدهد. تنها کاری که در این مجلس دیدیم تلاش برای قانون عفاف و حجاب بود.

> **در جلسه رای اعتماد به دولت نیز اگر تندروها می‌توانستند نمی‌گذاشتند دولت به صورت کامل شروع به فعالیت کند. هرچند که دیدیم هنوز شش ماه از عمر دولت نگذشته آقای همتی وزیر اقتصاد دولت را استیضاح کردند**

رفع فیلترینگ یکی از وعده‌هایی بود که رئیس جمهور در انتخابات و پس از آن به کرات مطرح کردند و با وجود نکاتی که در این باره از زیان‌های فرهنگی تا هزینه‌های اقتصادی داشته، اما همچنان گامی در جهت حل آن برداشته نشده است. آیا در سطح حاکمیتی با این مساله مخالفت وجود دارد یا دولت توانایی حل این مشکل را ندارد؟

با وجود اینکه بسیار گفته شده که فیلترینگ چه مضراتی دارد اما فیلترینگ همچنان ادامه دارد. البته همه چیز به صورت کاملاً دقیق و مشخص بیان می‌شود که فیلترینگ هیچ کمکی نه تنها به امنیت ما نکرده، بلکه امنیت ما را هم در مواردی با مشکل مواجه کرده و زیر سوال برده است.

امنیت روانی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی و امنیت سیاسی و کلاً خود مقوله امنیت و حتی نظامی ما رو زیر سوال برده و این در جنگ ۱۲ روزه عینا ثابت و مشخص شد. نکته دوم اینکه اکثر این فیلترشکن‌های بزرگی که مردم استفاده می‌کنند خود اسرائیلی‌ها می‌گویند مال ما است و این فیلترشکن‌هایی که روی گوشی‌ها نصب می‌شود بدافزار بوده و از همه اینها بالاتر اینکه نارضایتی اجتماعی به وجود آورده است. من نمی‌دانم چه چیزی باید باعث شود که سرانجام برخی از این آقایان به نتیجه برسند که فیلتر کردن راهکار نیست و فقط خسارت است؟ آقای پزشکیان برای رفع فیلترینگ هم باید مثل ابلاغ قانون حجاب ایستادگی کند.

> **چه چیزی باید باعث شود که سرانجام برخی از این آقایان به نتیجه برسند که فیلتر کردن راهکار نیست و فقط خسارت است؟ آقای پزشکیان برای رفع فیلترینگ هم باید مثل ابلاغ قانون حجاب ایستادگی کند**

اینکه توپ را در زمین دیگران بیندازیم خیلی درست نیست و ضمن اینکه خود آقای پزشکیان آن زمانی که در مجلس بودند می‌دانستند که وضعیت شورای عالی فضای مجازی چگونه است و با این علم و آگاهی آمدند در مناظرات و بحث رفع فیلتر را مطرح کردند.

الان که رئیس جمهور شدند دیگر پذیرفته نیست که بگویند کار باید در جای دیگر پیش برود کما اینکه من می‌دانم آقای پزشکیان خیلی تلاش می‌کند که این مساله را حل و فصل کند و به نظرم حل و فصل هم خواهد شد.

با توجه به آنچه در صحن عمومی جامعه در حوزه‌های مختلف به ویژه قانون عفاف و حجاب و مسکوت گذاشتن آن از سوی شعام بودیم، چه تصمیماتی باید اتخاذ کرد و چه اقداماتی باید صورت گیرد که در چنین شرایطی انسجام به‌دست آمده تقویت گردد و از ایجاد التهاب جلوگیری شود؟

در قصه قانون عفاف و حجاب متاسفانه ما شاهد این هستیم که با فروکش کردن بحث جنگ دوباره همان جریان تندرو اصرار می‌کند و این موضوع را داره دوباره برجسته می‌کند. خب؛ این نگاه قشنگی نیست و نگاه خطرناکی است که شما مادامی که جامعه در التهاب باشد سکوت می‌کنید و چیزی نمی‌گویید و به محض اینکه آرامشی نسبی بر جامعه حاکم شد موضوع را مطرح می‌کنید که با روح و روان مردم بازی کنید. من این نکته را قبلا عرض کرده بودم که یکی از دلایل شکست صهیونیست‌ها در حمله به ایران همین عدم ابلاغ قانون عفاف و حجاب بود که در ادامه باعث شد که مردم با دشمنان این آب و خاک خارج از مرزها همراهی نکنند و آن نقشه شومی که کشیده بودند با همین عدم همراهی و اتحادی که مردم وجود آوردند، شکل نگیرد.

لذا اینکه ما در این شرایط دوباره بخواهیم جامعه را ملتهب کنیم اقدام دقیق و درستی نیست. من مثالی می‌زنم که اتفاقا آن را در توئیتی هم نوشتم و آن اینکه آن کسانی که امروز بر قانون عفاف و حجاب و ابلاغ آن اصرار می‌کنند، امروز آرزویشان حجاب امثال مرحوم خانم امینی است و ما باید این را بپذیریم، بفهمیم و درک بکنیم که مقوله حجاب یک مقوله اجباری نیست و یک مقوله کاملا فرهنگی و اجتماعی است که باید با ظرافت خاصی با آن برخورد شود؛ اما متاسفانه این جریان متوجه این موضوع نیست و همیشه بر مبنای اهداف و نگرش خود عمل می‌کند. من دیدم امام جمعه موقت تهران گفته بودند که رضاخان و پسرش نتوانستند حجاب را سر مردم بردارند و بعد اشاره کرده بود که شماها هم نمی‌توانید و به کسانی که به دنبال این داستان‌ها هستند اشاره داشتند.

اما من می‌گویم که اتفاقاً کسانی توانستند حجاب از سر زنان بردارند که با سخت‌گیری‌های بی‌مورد، با بگیر و ببندهایی که راه انداختند؛ با گشت ارشادی که سال‌ها فریاد زدیم که هیچ کمکی به مقوله حجاب نمی‌کند، بر آن داستان‌ها اصرار کردند و مردم را خشمگین و ناراحت کردند و امروز این اتفاقاتی که در حال رخ دادن است خروجی آن تصمیمات غلط و اشتباه است که همین آقایان گرفتند.

ذره بین

ابعاد حقوقی مصادره اموال شرکت ملی نفت ایران در انگلیس

درس بزرگ پرونده کرسنت برای تهران

قرارداد گازی ۲۰۰۱ میان شرکت نفت کرسنت، شرکت اماراتی، و شرکت ملی نفت ایران (NIOC)، که قرار بود روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گاز از میدان سلمان به ابوظبی صادر شود، از سال ۲۰۰۵ با ادعای کرسنت مبنی بر نقض قرارداد توسط ایران (عدم تأمین گاز) به داوری کشیده شد. دیوان عالی انگلیس، در رأی ۲ اکتبر ۲۰۲۵، رأی دیوان داوری لندن (پرونده شماره ۲۰۰۹-۲۰) را تأیید کرد و ایران را به پرداخت ۲.۶ میلیارد دلار غرامت محکوم نمود، که اجرای آن شامل مصادره اموال شرکت ملی نفت ایران در انگلیس، از جمله ملک تجاری در لندن به ارزش ۱۰۰ میلیون پوند، می‌شود. این رأی، پس از ۱۵ سال (از ثبت در ۲۰۰۹)، ایران را در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار داد، جایی که عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، آن را «غیرعادلانه و سیاسی» خواند و گفت: «ایران از همه ابزارهای حقوقی برای دفاع استفاده می‌کند».

سرانجام پرونده کرسنت

پرونده شرکت نفت کرسنت علیه شرکت ملی نفت ایران، که در ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۱ با قرارداد گاز میدان سلمان (۲۵ ساله، روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب) آغاز شد، از سال ۲۰۰۵ با ادعای کرسنت مبنی بر نقض قرارداد توسط ایران (عدم تأمین گاز به دلیل تحریم‌ها و اختلافات فنی) به داوری لندن (پرونده شماره ۲۰۰۹-۲۰) کشیده شد. دیوان داوری، در سال ۲۰۱۴، ایران را به پرداخت ۲.۶ میلیارد دلار غرامت محکوم کرد، اما ایران آن را «غیرقانونی» خواند و به دیوان عالی انگلیس اعتراض برد. در ۲ اکتبر ۲۰۲۵، دیوان عالی رأی را تأیید کرد و اجرای آن را الزامی دانست، که شامل مصادره اموال شرکت ملی نفت ایران در انگلیس (ملک تجاری در لندن به ارزش ۱۰۰ میلیون پوند) می‌شود. کرسنت، آن را «پیروزی عدالت» خواند و گفت: «ایران باید تعهداتش را بپردازد». ایران نیز، از طریق وزارت نفت، اعلام کرد: «رأی سیاسی است و ما از همه ابزارها برای دفاع استفاده می‌کنیم». سرانجام پرونده کرسنت در دیوان عالی انگلیس (۲ اکتبر ۲۰۲۵) بر قوانین داوری لندن، که تحت چارچوب کمیسیون تجارت سازمان ملل متحد (UNCITRAL) تنظیم شده، استوار است. این قوانین، قرارداد ۲۰۰۱ میان شرکت نفت کرسنت و شرکت ملی نفت ایران (NIOC) را به عنوان یک تعهد حقوقی الزام‌آور تلقی کرده و ایران را به دلیل نقض قرارداد (عدم تأمین گاز میدان سلمان) به پرداخت ۲.۶ میلیارد دلار غرامت محکوم نمودند. این چارچوب، که بر اصل بی‌طرفی داوری تأکید دارد، ایران را به عنوان «طرف قرارداد» مقید می‌کند و اجرای رأی، شامل مصادره ملک تجاری NIOC در لندن (۱۰۰ میلیون پوند)، را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. با این حال، مؤسسه بروکینگز این فرآیند را به دلیل «سوگیری غربی» مورد نقد قرار می‌دهد، زیرا تحریم‌های آمریکا (از ۲۰۰۵) که مانع اجرای قرارداد شدند، در داوری نادیده گرفته شد. این سوگیری، به گفته تهران تایمز (۵ اکتبر ۲۰۲۵)، «ناعادلانه» است، زیرا شرایط ژئوپلیتیک (تحریم‌ها) را از معادله خارج کرد. گزارش شورای روابط خارجی نیز تأکید می‌کند که قوانین UNCITRAL، اگرچه جهانی به نظر می‌رسند، در عمل به نفع اقتصادهای غربی عمل می‌کنند، زیرا کشورهای در حال توسعه (مانند ایران) اغلب فاقد منابع حقوقی برای رقابت در این میدان هستند. این چارچوب، با تأکید بر اجرای قرارداد، به کرسنت اجازه داد تا با استناد به نقض تعهدات، غرامت را تضمین کند، اما نقش تحریم‌ها (که بنا به ادعای ایران، آن را از تأمین گاز بازداشت) را نادیده گرفت.

پیامدهای حقوقی

پیامد حقوقی رأی دیوان عالی، اجرای فوری غرامت ۲.۶ میلیارد دلاری و مصادره اموال شرکت ملی نفت ایران در انگلیس است، که کرسنت در ۳ اکتبر درخواست اجرای آن را داد. ملک تجاری شرکت ملی نفت ایران در لندن (۱۰۰ میلیون پوند) اولین هدف است، و دیوان مهلت ۳۰ روزه برای تجدیدنظر داد. ایران، از طریق وزارت دادگستری، گفت: «رأی سیاسی است و ما درخواست تجدیدنظر می‌کنیم». شرکت نفت کرسنت با انتخاب داوری لندن (محل کم‌ریسک برای شرکت‌های غربی) و محاسبه «ریسک پایین»، پیروزی در پرونده را تضمین کرد. این تصمیم، که بر اساس قوانین UNCITRAL و حمایت ضمنی غرب بود، به کرسنت اجازه داد تا غرامت ۲.۶ میلیارد دلاری و مصادره اموال NIOC را به دست آورد. این محاسبه عقلانی، که ریسک حقوقی و سیاسی ایران را بالا می‌برد، قراردادهای آینده ایران را به «داوری‌های امن» (مانند سنگاپور یا دوبی) محدود می‌کند، که هزینه‌های داوری را تا ۲۰ درصد افزایش می‌دهد. ایران، از منظر عقلانی، با اعتراض به رأی (مهلت ۳۰ روزه) زمان خرید، اما شانس موفقیت آن کم است، زیرا داوری لندن به نفع کرسنت سوگیری دارد. این رأی، به گفته فایننشال تایمز، «درس برای تهران» است تا در قراردادهای آینده، بندهای محافظتی (مانند معافیت تحریم) را بگنجانند. از سوی دیگر، کرسنت با این پیروزی، جایگاه خود را در بازار گاز تقویت کرد و به شریکی قابل اعتماد برای غرب تبدیل شد.

پیامدهای سیاسی

پیامد سیاسی رأی، انزوای دیپلماتیک ایران و تقویت جایگاه امارات در شورای همکاری خلیج فارس است، که ایران، با محکومیت، روابط با شورای همکاری خلیج فارس را تیره کرد. همچنین رأی کرسنت توازن قدرت در خاورمیانه را به نفع امارات تغییر داد و ایران را در شورای همکاری خلیج فارس (GCC) منزوی‌تر کرد. این در حالی است که این موضوع از سوی غربی‌ها، «پیروزی دیپلماتیک ابوظبی» ارزیابی می‌شود، زیرا امارات با حمایت داوری لندن، نه تنها غرامت ۲.۶ میلیارد دلاری را تضمین کرد، بلکه جایگاه خود را به عنوان شریک قابل اعتماد غرب تقویت نمود. این رأی، ایران را به عنوان یک بازیگر «غیرقابل اعتماد» در قراردادهای بین‌المللی معرفی کرد، که روابطش با GCC را تا ۳۰ درصد تیره‌تر می‌کند. به عبارت دیگر، قدرت‌های غربی، از طریق نهادهای داوری، هژمونی خود را اعمال می‌کنند. رأی کرسنت، با حمایت ضمنی آمریکا (تحریم‌ها و فشار روبیو)، ایران را به حاشیه راند و امارات را به عنوان متحد کلیدی در منطقه تقویت کرد.